

سهم آسمان از پرده نقره‌ای

در سینما، جایی برای خلوت با خدا نیست!

کاراکترهای فیلم‌های اجتماعی با کلی مشکلات روبه‌رو می‌شوند و برای حل آن‌ها به درودیوار می‌زنند تا مشکل خود را حل کنند اما کارگردانان و نویسندگان ما هیچ خلوتی برای آن‌ها در نظر نمی‌گیرند. این خلوت به معنای آن نیست که لزوماً نماز بخوانند، بلکه جایی است که با خدای خود درددل کنند و از او کمک بگیرند یا به اولیای الهی متوسل شوند. این درحالی است که در بسیاری از فیلم‌های غربی، شاهد حضور پررنگ عناصر دینی هستیم. اصلاً فیلم‌های ژانر وحشت با حضور کلیسا و کشیش‌ها، معنا پیدا می‌کند و نوعی از معنویت را تداعی می‌کنند.

تصاویر مذهبی از سینما حذف می‌شوند

وقتی سینما از عناصر معنوی و متافیزیک خالی می‌شود، به سمت سکولاریسم می‌رود. مفهوم گسترده‌تر آنکه در فیلم‌ها، ظواهر ساده دینی نیز مشاهده نمی‌شود، به طور مثال در منزل بسیاری از ایرانیان، فارغ از میزان تقید به اصول و فروع دین، تابلوی وآن یک‌د یا عکسی از حرم اهل بیت^(ع) هست. اما در فیلم‌های ما عاقدانه این تصاویر حذف می‌شود. سینمای اجتماعی ما، سرشار از مشکلات و معضلات شده است. در دیالوگ‌های این فیلم‌ها، قسم به حضرت عباس^(ع) وجود دارد. اما کارگردان، اجازه خلوت معنوی یا حتی نگاه کردن به آسمان را به کاراکترها نمی‌دهد. البته لزوماً نباید شخصیت‌ها را در حال مناسک دینی نمایش داد.

از نمایش عناصر دینی نترسیم

اغلب فیلم‌سازان چون در زندگی خود این چیزها را ندارند، از نمایش عناصر و المان‌های دینی در فیلم‌ها هراس دارند و دوری می‌کنند تا به شعارزدگی و شعار دادن متهم نشوند. این درحالی است که این عناصر دینی، جزو اثبات‌شده‌های زندگی امروزی حتی در میان افراد نه‌چندان مذهبی است. متأسفانه، سینمای ما به شدت مبتلا به سکولاریسم به معنای به حاق رفتن دین، شده است. حذف دین از عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری را سکولاریسم می‌گویند که متأسفانه فیلم‌های ما به شدت به آن مبتلا شده‌اند.

در سینما هم، عالم محضر خداست

تعریف سکولاریسم از دین، دین داری در خانه و خلوت خویش است. غرب نیز در این زمینه با ما مشکل دارد و افرادی که با حجاب مشکل دارند، آن را موضوعی خصوصی می‌پندارند. درواقع نگاه سکولار به حجاب دارند و درباره مناسک دینی نیز معتقدند که یک امر شخصی و خصوصی است و باید در خانه خود، آن را به جا آورد. اسلام با این نظریه مخالف است. اسلام معتقد است عالم مظهر خداوند است و درست است که حکومت در خانه‌ات به تو گیر نمی‌دهد، اما در خلوت، نیز عالم محضر خداست.

سینما با زور و اجبار، دینی نمی‌شود

نمی‌توان با اجبار و زور، سینماگران را به سینمای دینی متعهد کرد؛ الان برخی سازمان‌ها و نهادها درباره مسائلی نظیر فرزندآوری به کارگردانان سفارش می‌دهند، این امر به اعتقاد من غلط است. فیلم‌سازی که هنوز ازدواج نکرده است، چگونه می‌تواند درباره ارزش‌های ازدواج و فرزندآوری فیلم بسازد؟ راه این معضل این است که آموزش را جدی بگیریم؛ یعنی اگر از سکولاریسم در سینما صحبت می‌کنید، باید در ابتدا دانشگاه را از سکولاریسم خالی کنید. ازسوی دیگر، شما باید هنرمند را تربیت کنید. امثال مرحوم فرج‌ا... سلحشور و داوود میرباقری، دستگاه تربیتی شیعه و اسلام را خوب فهمیده‌اند و سفارشی، کار دینی نکرده‌اند. از دانشجویی که به عقاید سکولار استاد مواجه است، چه توقعی می‌توان داشت؟

فقه به کمک سینما بیاید

فقه ما قبل از انقلاب در حاشیه بود و در فقه قدیم، مباحث مرتبط با طهارت، نماز، کتاب، حج و... مطرح می‌شد. وقتی پای حکومت وسط آمد، فقهای ما گفتند باید احکام جهاد، احکام فقهی اقتصاد، احکام فقهی سیاست خارجی و... نوشته شود. سینما نیز همین‌گونه است؛ سینما باید از این حالت گلخانه‌ای بیرون بیاید و تأثیر اجتماعی و روانی خود را بفهمد. اگر خواهیم سینمای دینی رشد کند، یک بخش آن به حوزه‌های علمیه برمی‌گردد. حوزه‌های علمیه باید برخی مسائل مربوط را حل کنند تا به مشکل برنخوریم.

با نگاه بازاری، سینما دینی نمی‌شود

همیشه نمی‌توان توپ را در زمین فیلم‌ساز انداخت. ما باید سیاست‌گذاری کرده، نیروی متعهد، تربیت می‌کردیم و درست آموزش می‌دادیم؛ البته نباید اجبار باشد؛ چون سیاست‌گذاری به معنای اجبار نیست، برای مثال پس از جنگ دوازده‌روزه، ما باید به سمت اتحاد مقدس و وحدت ملی حرکت کنیم. ما نمی‌خواهیم حتماً المان‌های دینی را نشان دهیم، بلکه می‌خواهیم خانواده را نشان دهیم. خانواده تک‌والد نشان ندهیم و آسیب‌شناسی کنیم. درحال حاضر اغلب سینماگران فقط به دنبال جذابیت و فروش و دنبال دیده شدن سریال‌ها و فیلم‌هایشان به هر قیمتی هستند و بعید است نگاهشان این باشد که درد و معضلی را مطرح یا حل کنند. نگاه آن‌ها کاملاً بازاری است و سریال‌هایی نظیر «اجل معلق»، رسماً با اعتقادات مردم بازی می‌کنند.



گفت‌وگو

آمنه مستقیمی از کارکردهای مهم هنر باتوجه به عمق و دامنه اثرگذاری که دارد، ورود به مباحث دینی و تلاش برای خدمت به عرضه و ترویج معنویت است؛ چنان‌که خدا، خود نیز چنین تدبیری داشته و برای اثرگذاری قرآن، از هنر تلاوت بهره گرفته و صوت و لحن خوش را برای پذیرش حرف حق، انتخاب کرده است. این کارکرد به هنری خاص محدود نمی‌شود، بلکه شامل انواع هنر به‌ویژه سینماست که اگر پای کار دین و ترویج معنویت بیاید، می‌تواند دل‌های بسیاری را جذب کند و آن‌ها را از سردرگمی در بیاورد. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی یوسف‌زاده، طلبه و منتقد سینما، درباره چیستی و چگونگی پرداختن پرده نقره‌ای به دین، گفت‌وگو کرده‌ایم.

همه چیز به هنرمند وابسته است

سینمای دینی یعنی سینمایی که احساس حضور نیرویی فراتر از ماده را به مخاطب منتقل کند که می‌تواند حضور خداوند یا یک حس معنوی باشد و لزوماً ساخت فیلم درباره اولیای خدا یا یک داستان سراسر دینی به‌منزله فیلم دینی نیست، بلکه مقصود فیلمی است اجتماعی، تاریخی و حتی کمدی که در آن، مفهومی از معنویت منتقل می‌شود. همه چیز به هنرمندی برمی‌گردد که از ابزار سینما برای انتقال یک مفهوم معنوی استفاده می‌کند. لذا هر فیلمی که با موضوع تاریخ اسلام یا تاریخ مسیحیت ساخته شود، حتی اگر درباره زندگی پیامبران یا یکی از اولیای خدا باشد، لزوماً فیلم دینی نیست.

ظواهر، سینما را دینی نمی‌کند

با در نظر گرفتن فرم فیلم می‌توان از سینما توقع کارکرد دین‌گرایانه داشت، البته باید بدانیم صرف پرداختن به ظواهر احکام دینی، سینما را دینی نمی‌کند. در سال‌های اخیر، سینمای ما و سینمای غرب به شکلی از سکولاریسم، نه به معنی جدایی دین از سیاست، بلکه به مفهوم وسیع‌تر آن یعنی جدایی عناصر و مفاهیم دینی به شکل کلی از زندگی انسان، مبتلا شده است.

سینمای دینی یعنی چه؟

سینمای دینی، چیستی، بایدها و رهاوردها، بحث بسیار مبسوط و گسترده‌ای است. در فقه هنر به بایدها و نباید‌های فقهی اشاره می‌شود. از اوایل انقلاب در دهه ۶۰ بنا شد سینما براساس مبانی انقلابی و دینی پی‌ریزی شود و به‌طور جدی مطرح شد که سینمای دینی، لزوماً اشاره به مبانی فقهی نیست، بلکه سینمایی است که در پس داستان یا قصه آن، قرار است مفهومی دینی یا غیردینی مطرح شود.

سینمای دینی، ژانر نیست

سینمای دینی ژانر یا حتی یک مکتب نیست. شهید مرتضی آوینی در کتاب «آینه جادو» به صراحت می‌گوید که ما چیزی به نام سینمای دینی نداریم. اگر ما به سینما نگاه ابزارگرایانه داشته باشیم، ابزاری در دست هنرمند است. آن هنرمند می‌تواند مسلمان یا اهل دیانت یا سکولار یا بی‌دین باشد. اگر هنرمند مسلمان یا حتی مسیحی، فیلمی با نگاهی دینی بسازد، فیلم او در زمره سینمای دینی قرار می‌گیرد. با این نگاه، کارگردانی حتی غیرمسلمان داریم که دغدغه‌های دینی نظیر مرگ و وجود خداوند را در فیلم‌های خود منتقل کرده‌اند.

حجت‌الاسلام والمسلمین یوسف‌زاده:

در منزل بسیاری از ایرانیان، فارغ از میزان تقید به اصول و فروع دین، تابلوی وآن یک‌د یا عکسی از حرم اهل بیت^(ع) هست، اما در فیلم‌های ما عاقدانه این تصاویر حذف می‌شود